



حمایت از حقوق مصرف کننده با راهکار استانداردسازی اساس نامه شرکت‌ها از دیدگاه حقوق اداری

وحید کریمی *

اکبر بشیری **

اباست پورمحمد ***

چکیده

مصرف کننده نهایی کالا/خدمات، حقوقی دارد که در رأس این حقوق، دسترسی به کالا/خدمات با کیفیت و قیمت مناسب است. در خصوص نهادهای حامی و قوانین حمایتی، تعارض‌های فراوانی به چشم می‌خورد که حمایت از حقوق مصرف کننده را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. در واقع، نیاز به منبع حقوقی جامع و ارگان مسئول و متعهد محسوس است که به نظر می‌رسد با استانداردسازی اساس نامه شرکت‌ها می‌توان ضمن تأسیس منبع حقوقی مناسب، عرضه کننده را به لحاظ حقوقی متعهد ساخت. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی، درصدد بررسی امکان حمایت از حقوق مصرف کننده با راهکار استانداردسازی اساس نامه شرکت‌ها از دیدگاه حقوق اداری است. نهادهای اداری متولی شرکت‌های ارائه‌دهنده کالا/خدمات ممکن است دولتی یا عمومی باشند و بخش خصوصی معمولاً در تولی نظارت بر کسب و کارها جایی ندارد. این نهادها برحسب وظیفه تولی و تفسیر موسع از آن، حق یکسان‌سازی اساس نامه‌ها را دارند. با این اقدام می‌توان حقوق مصرف کننده را به عنوان تعهد در اساس نامه شرکت ذکر کرد. بنابراین، با استانداردسازی اساس نامه، تعهد حقوقی عرضه کنندگان محرز است و حق نظارت سازمان متولی نیز تصریح خواهد شد. به این صورت، راهکار حقوق اداری برای حمایت از حقوق مصرف کننده باز خواهد بود. در این حالت، چالش‌های اداری شرکت‌ها در خصوص حقوق مصرف کننده به حداقل می‌رسد و در زمان اقدام قضایی می‌توان با مقصران اصلی برخورد مناسب کرد. نهادهای دولتی یا عمومی نیز گاهی مستقل عمل می‌کنند که برای مقابله با موازی کاری باید با وضع مقررات اداری، نهادی واحد را متولی اصلی نظارت تعیین و وضعیت عمودی یا افقی بودن روابط اداری را نیز مشخص کرد.

کلیدواژه‌ها: مصرف کننده، حقوق شهروندی، متولی اداری، اساس نامه، استانداردسازی.

*. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

bshyryakbr3@gmail.com

** . استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول)

haydedarvishi@gmail.com

***. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

fds@gmail.com

مقدمه

نیازمندی‌های شهروندان یا با تولید داخلی تأمین می‌شود یا واردات از خارج. گاهی در اقدامات سازمان‌یافته ارائه‌دهندگان محصولات/ خدمات، انحصار پدید می‌آید و منافع سرمایه‌داران بر حقوق مصرف‌کننده برتری می‌یابد. در این وضعیت، مصرف‌کنندگان در موضع ضعف قرار می‌گیرند و نقدینگی آن‌ها به‌ناحق به جیب عرضه‌کنندگان می‌رود. در تمام جهان، دولت‌ها با هدف حمایت از حقوق مصرف‌کننده که بخشی از حقوق شهروندی است، از اختیارات قانونی خود بهره می‌برند و در صورت وجود خلأهای حقوقی، برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده، قانون‌گذاری می‌کنند. در ایران نیز قانونی در همین زمینه در سال ۱۳۸۸ تصویب شد. به تصویب نسبتاً دیرهنگام این قانون و وجود برخی ادبیات نامناسب در این قانون انتقاد وارد شده است که زمینه سوء استفاده عرضه‌کنندگان را فراهم می‌دارد. افزون بر این، اختیارات اجرایی دولت در این مورد به درستی مشخص نیست و بر پایه برخی منابع حقوقی قدیمی، اقدامات انجام‌شده برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده ناکافی است. اثر فرم قراردادی بر مسئولیت قراردادی به اثبات رسیده است.^۱ اثر شکلی اساسنامه در حقوق فرانسه نیز بررسی شده است و به همین دلیل، این کشور را پیش‌گام اعتباربخشی به فرم اساسنامه دانسته‌اند.^۲ در ایران، نهادهای مختلفی، مسئولیت حمایت از حقوق مصرف‌کننده را بر عهده دارند. برای نمونه، سازمان استاندارد برای کالا/ خدمات با کیفیت پایین تأییدیه صادر نمی‌کند. سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده نیز بر مسائل قیمت‌گذاری نظارت دارد. سازمان تعزیرات حکومتی گاهی مانند نهادهای قضایی، در برخورد با متخلفان، حکم مستقل صادر می‌کند. سازمان بازرسی نیز گاهی با تشکیل پرونده، با متخلفان برخورد می‌کند. این در حالی است که دادگستری‌ها به عنوان مجریان اصلی عدالت، در حمایت از حقوق مصرف‌کننده جایگاهی ندارند و وظیفه آن‌ها بیش‌تر در زمان دریافت شکایات برجسته می‌شود. نتیجه بحث این‌که نهادهای اداری مختلف به شیوه‌های گوناگون، مسئولیت حمایت از حقوق مصرف‌کننده را بر عهده دارند که گاه موازی با یکدیگر عمل می‌کنند و در نهایت، انتظار مصرف‌کننده معمولاً برآورده نمی‌شود. این وضعیت نیز که نشانه ناکارآمدی اقدامات نهادهای یادشده است، نوعی چالش اداری محسوب می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که می‌توان ضمن استانداردسازی اساسنامه شرکت‌ها، اقداماتی برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده انجام داد. پاسبان (۱۳۹۸) در کتاب خود بیان داشته است

1-Choi, S. B., "Korean Legal Approach to the Electronic Bill of Lading to Solve the Crisis of the Bill of Lading in Letter of Credit Transactions", *인터넷전자상거래연구*, 2017, 17 (2), 201-220., p. 210

2-Dunn, J. P., Ledford, S., Jackson, S. H. & Wood, A. G., U.S. Patent Application No. 2018, 15/711,416, p. 58.

که مالکان شرکت‌های تجاری معمولاً به دلیل نداشتن سواد کافی حقوقی، اساس‌نامه‌هایی نگاشته‌اند که اصولاً نافذ نیستند.^۱ استانداردسازی اساس‌نامه بانک‌ها نیز راهکاری برای نظارت بهتر بانک مرکزی شمرده می‌شود.^۲

بحث متحدسازی حقوق قراردادهای در سطح بین‌الملل می‌تواند در امور شرکت‌ها نیز کارآیی داشته باشد.^۳ با این حال، به محدودیت مسئولیت شرکت‌ها نیز تصریح شده است.^۴ چنین مشخص است که استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌ها می‌تواند یکی از راه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کننده باشد. استانداردسازی حقوق شرکت‌های تجاری در حیطه صادرات فولاد در کشور فرانسه^۵ و نقش عوامل تقنینی بر فرم قراردادی نیز در تحقیقاتی دیگر بررسی شده است.^۶

در این پژوهش چنین فرض شده که حمایت از حقوق مصرف‌کننده ضمن استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌ها ممکن است. دیگر چالش‌های اداری حمایت از حقوق مصرف‌کننده، از بحث پژوهش کنونی خارج است و در این جا تنها راهکار پیشنهادی یادشده بررسی می‌شود. نوآوری این تحقیق در آن است که تا کنون به راهکار استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌ها برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده که بخشی از امور اجرایی - اداری محسوب می‌شود، توجه نشده است.

سؤال پژوهش این است که استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌ها چگونه ممکن است و چگونه موجب حمایت از حقوق مصرف‌کننده خواهد شد؟ چالش‌های این راهکار پیشنهادی چیست؟ ابتدا ضمن مروری بر مبانی اساس‌نامه و حقوق مصرف‌کننده، رویه اداری این اقدام بررسی و چالش‌های آن نیز واکاوی می‌شود.

۱. پاسبان، محمدرضا، **حقوق شرکت‌های تجاری**، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۴۳.

۲. باقری، محمود و علی‌رضا جاویدان داروگر، «حقوق شرکت‌های بانک‌ها با تأکید بر نقد و بررسی اساس‌نامه نمونه بانک مرکزی»، مجله مطالعات حقوق، ۱۳۹۶، شماره سوم، دوره هجدهم، صص ۱۰۵-۱۱۸، ص ۱۱۰.

۳. جلالی، محمود و معصومه شکوری، «روند متحدالشکل‌سازی حقوق قراردادهای در سطح بین‌المللی»،

فصل‌نامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۲، شماره سوم، دوره سوم، صص ۱۵۵-۱۷۱، ص ۱۶۵.

۴. آقامحمدی، فرشاد، «بررسی شرکت با مسئولیت محدود در حقوق ایران و ترکیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی کار قزوین، ۱۳۹۷، ص ۵۴.

5-Alavi, H., Delivery terms in transport process of export trade and their effect on the risk of discrepancy in documentary letters of credit; evidence from Estonia, 2018, p. 125

6-Ma, S., Chai, Y., Wang, J. & Duan, Y., "New digital infrastructure, cross-border e-commerce and global vision of creating Electronic World Trade Platform", Global Trade and Customs Journal, 2018, 13(4), p. 160

گفتار اول. مفاهیم و مبانی پژوهش

استاندارد، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که برخی نهادهای صلاحیت‌دار برای استفاده سازمان‌ها، اداره‌ها، نمایندگی‌ها و مؤسسات در سطح ملی و بین‌المللی وضع و تصویب می‌کنند. در این مفهوم، استانداردها اجباری هستند و ممکن است دولت‌ها یا نهادهای علمی از جمله بعضی از انجمن‌های شغلی، آن‌ها را اجرا کنند.^۱ برای مثال، امکان دارد دولت‌ها، استانداردهایی برای بهداشت یا رفاه جمعیت یک کشور وضع کنند یا انجمن‌های پزشکان یا وکلا، استانداردهایی را برای اصول اختلافی به عنوان مرجعی برای استفاده اعضای خود تعیین و از الگوی رفتار معینی پیروی کنند. استانداردها گاهی اختیاری هستند، اما ممکن است استاندارد از جانب یک صنف، صنعت، مراجع دولتی یا با توافق‌های بازرگانی اجباری گردد که این اجبار ممکن است بر اساس قانون باشد. استاندارد را که اجباری شده باشد، «ضابطه» می‌نامند.

گاهی اصول ضروری یک امر به صورت قانون و ضابطه تعیین می‌شود و تأیید مرجع استاندارد، ملاک اعتبار آن قرار می‌گیرد. سازمان ملی استاندارد در ایران، چنین مسئولیتی را بر عهده دارد.^۲ برای مثال، شیرهای گاز به علت ارتباط آن با جان انسان تحت نظارت سازمان استاندارد قرار دارند. این سازمان با تعیین قانون و ضابطه، ابعاد، اندازه، تیرانس، نقشه، جنس و دیگر ویژگی‌ها برای شیرهای گاز، تولیدکنندگان آن‌ها را به پیروی از این مقررات ملزم کرده است. تولیدکنندگان با پیروی از قوانین سازمان ملی استاندارد باید شیرهای گازی را تولید کنند و این سازمان هم حق نظارت بر همه مراحل تولید را دارد. در سطح ملی و بین‌المللی، استانداردهای مختلفی وجود دارد که تولیدکنندگان با هدف افزایش اعتبار باید آن استانداردها را دریافت کنند.^۳

منظور از استانداردسازی اساسنامه شرکتها، یکسان‌سازی آن‌هاست. این الزام به یکسان‌سازی با راهکارهای مختلفی صورت می‌پذیرد.^۴ در حال حاضر، مصادیق استانداردسازی اساسنامه شرکتها انجام شده است که بررسی می‌کنیم.

در قانون بورس و اوراق بهادار (۱۳۸۴) در خصوص اساسنامه نمونه، مطالبی بیان شده است که به دلیل اشعار قانونی، جنبه اجباری دارد. به موجب تبصره ۲ ماده ۹ این قانون،

۱. جوادی، امیر، **حقوق تجارت بین‌الملل**، تهران: حقوق‌یار، چاپ سوم، ۱۳۹۸، ص ۱۵.

۲. حمداللهی، عاصف، **حقوق رقابت نامشروع**، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ سوم، ۱۳۹۶، ص ۴۵.

3-ANYOGU, F. & AGUBOSIM, B. C., "A CRITICAL OVERVIEW OF THE FEDERAL COMPETITION AND CONSUMER PROTECTION ACT" INTERNATIONAL REVIEW OF LAW AND JURISPRUDENCE (IRLJ), 2021, 3 (3), p. 65

۴. داراب‌پور، مهرباب، **اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل**، تهران: گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۷، ص ۶۵.

وظایف و حدود اختیارات رئیس سازمان در اساس‌نامه سازمان تعیین خواهد شد. اساس‌نامه سازمان بورس تحت قانونی در همین سال با عنوان «اساس‌نامه سازمان بورس» به تصویب رسید. بنابراین، با تصویب قانون موضوعه، اساس‌نامه سازمان بورس استانداردسازی شد. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰ تصویب شد. به موجب ماده پنجم این قانون، نام با قید کلمه «تعاونی»، هدف، موضوع، نوع، حوزه عملیات، مدت، مرکز اصلی عملیات و نشانی، میزان سرمایه، مقررات مربوط به عضو، ارکان، مقررات مالی و کار، انحلال و تصفیه باید در اساس‌نامه ذکر شود. در راستای اجرای این قانون، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مرداد ۱۳۸۸، اساس‌نامه نمونه شرکت‌های تعاونی را تصویب کرد. با توجه به این‌که تأسیس شرکت‌های تعاونی مستلزم دریافت مجوز از آن وزارت است، تبعیت از اساس‌نامه نمونه را برای شرکت‌های تعاونی می‌توان الزامی کرد. اساس‌نامه نمونه، ۵۷ ماده و ۳۴ تبصره دارد.

قانون تشکیل بیمه مرکزی که در سال ۱۳۵۰ به تصویب رسید، یکی از جنبه‌های مهم اجباری شدن برخی مفاد در اساس‌نامه است. به موجب ماده ۳۷ این قانون، ثبت هر مؤسسه بیمه در ایران به ارائه پروانه تأسیسی وابسته است که بیمه مرکزی ایران صادر کند. همچنین ثبت هر گونه تغییرات بعدی در اساس‌نامه و میزان سرمایه و سهام مؤسسات بیمه‌ای که به ثبت رسیده باشند، به موافقت بیمه مرکزی ایران بستگی دارد. حسب این قانون، اساس‌نامه شرکت‌های بیمه‌ای تحت نظارت سازمان بیمه مرکزی است و امکان استانداردسازی اجباری آن با ضابطه و قانون وجود دارد. در راستای همین قانون نیز سازمان بیمه مرکزی مانند دو مورد یادشده (شرکت‌های تعاونی و سازمان بورس)، اساس‌نامه نمونه تهیه کرده و تبعیت از این الگو را برای تمامی شرکت‌های بیمه لازم دانسته است. اختیار وضع مقررات برای نهادهایی هم‌چون شورای پول و اعتبار الزاماً در حدود صلاحیت‌هایی است که قانون‌گذار به این قبیل نهادها اعطا کرده است. این نهادها نمی‌توانند خارج از صلاحیت قانونی خود، مقررات وضع کنند و مصوباتشان هم نباید ناقض قوانین موضوعه باشد. با توجه به این دو ضابطه و با استناد به منابع دست اول، بررسی حقوقی یکی از مصوبات پراهمیت شورای پول و اعتبار با عنوان «اساس‌نامه نمونه بانک‌های تجاری غیر دولتی»، موضوع بحث است که برای تنظیم عملکرد بانک‌های خصوصی کشور تصویب و ابلاغ شده است. در این بررسی، عدول شورای پول و اعتبار از صلاحیت قانونی خود و تعارض مفاد مصوبه موضوع بحث با قوانین و مقررات لازم‌الرعایه مربوط به چشم می‌خورد.^۱

۱. شیروی، عبدالحسین، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۸، ص ۵۴.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب بخش نامه شماره ۹۲/۱۱۷۷۰۸ صادر شده در ۲۴ تیر ۱۳۹۲ و با استناد به بند «ج» ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور که مقرر می‌دارد: «تأسیس بانک در ایران موقوف به تصویب اساسنامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» است، «اساسنامه نمونه بانکهای تجاری غیر دولتی»، مصوب شورای پول و اعتبار را به بانکهای غیر دولتی ابلاغ کرد. در حقیقت، با این کار، آنها را ملزم کرد که با برگزاری مجمع عمومی فوق العاده و اعمال تغییرات و اصلاحات در اساسنامه جاری بانک، اساسنامه نمونه ابلاغی را ظرف مدت چهار ماه جای‌گزین کنند. در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۲ نیز با صدور بخش نامه شماره ۹۲/۳۷۷۵۳۸ اعلام کرد که اساسنامه نمونه ابلاغ شده اصلاح گردیده است. بر همین اساس، ویرایش جدید اساسنامه نمونه به ضمیمه این بخش نامه ابلاغ شد و بانکهای غیر دولتی ملزم شدند اساسنامه خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ با اساسنامه نمونه تطبیق دهند و پس از اعمال تغییرات لازم برای تصویب نهایی به شورای پول و اعتبار بفرستند.^۱

گفتار دوم. راهکارهای استانداردسازی اساسنامه شرکتها

با توجه به مفاهیم مختلف در خصوص استانداردسازی، منظور از استانداردسازی اساسنامه شرکتها در این پژوهش، یکسان‌سازی آنهاست که مصادیقش بیان شد. این استانداردسازی با راهکارهای حقوقی - اجرایی ممکن است که در این قسمت از آن سخن می‌گوییم.

بند اول. قوه مقننه

با تصویب قانون ممکن است اساسنامه برخی نهادها استاندارد شود، هر چند این اتفاق بسیار نادر است. در حال حاضر، تنها سازمان بورس اوراق بهادار با قانون مصوب ۱۳۸۸، اساسنامه استاندارد دارد. هر گونه تغییر در اساسنامه این سازمان مستلزم پیمودن مراحل تقنینی است که پیچیدگی خاصی دارد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار برای استانداردسازی نهادهای دولتی مهم که معمولاً تعداد آنها از انگشتان دست فراتر نمی‌رود، اقدام کرده است که این کار مزایا و معایبی دارد.

مزیت این اقدام، بخشیدن رسمیت حقوقی به اساسنامه است که به نوعی، تعیین‌کننده مقررات آن سازمان است. در واقع، قانون‌گذار در وضع مقررات اداری سازمان نیز دخالت کرده است. طبیعتاً اهمیت این نوع استانداردسازی باید آن قدر زیاد باشد که قوه مقننه به قلمرو آن قدم بگذارد. با توجه به روال و تشریفات قانون‌گذاری مندرج در قانون اساسی ایران (مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری شده در ۱۳۶۹ که از این پس، «ق.ا.» یاد می‌شود)، تغییر در اساسنامه نمونه

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۶۶.

در این شرایط بسیار سخت و پیچیده محسوب می‌شود. به هر حال، استانداردسازی اساس‌نامه توسط قانون موضوعه در موارد نادری اتفاق افتاده و از اختیارات قوه مقننه است.

بند دوم. نهادهای اداری متولی

منظور از متولی، نهادی غیر خصوصی (عمومی یا دولتی) است که مسئولیت نظارت بر فعالیت صنوف خاصی را بر عهده دارد. دولت حق نظارت عالی و رسیدگی به امور بخش خصوصی را بر عهده دارد که حسب تفسیر موسّع از اصول ق.ا.ا به ویژه اصل ۴۴ حاصل می‌شود. این نظارت یا توسط نهادهای دولتی انجام می‌شود یا توسط نهادی عمومی و با نظارت دولت.^۱ مقررات اداری و اجرایی هر یک از نهادها به صورت جداگانه تصویب شده است. متولیان هر کسب و کار با توجه به مسئولیت‌های خویش می‌توانند الزام به تبعیت از اساس‌نامه نمونه را از شرکت‌ها خواهان شوند. گاهی متولی یک کسب و کار، سازمان است، مثل سازمان صمت که متولی تمامی امور صنعتی است و تولیدکنندگان تحت تبعیت از آن قرار دارند. گاه اتحادیه برحسب اجماع شکل گرفته است، مثل اتحادیه صادرکنندگان زعفران که تمامی صادرکنندگان زعفران باید از آن پیروی کنند.

مفاد قانون نظام صنفی کشور، مصوب ۱۳۸۳ (از این پس، «ق.ص.»)، چنین الزامی را پیش می‌کشد. در واقع، وظیفه متولیان، برقراری عدالت و تناسب در کسب و کار است تا علاوه بر حمایت از حقوق کاسبان، حقوق مصرف‌کنندگان نیز حفظ شود. بنابراین، تبعیت کاسبان از متولیان، ضرورتی حقوقی و اداری محسوب می‌شود. حسب چنین اختیار حقوقی، متولیان می‌توانند شرط اعطای مجوز کسب و کار را تبعیت از اساس‌نامه نمونه بدانند تا وحدت مدیریتی در امور مورد نظر محرز شود.

ممکن است به موجب مقررات اداری سازمان متولی، به وضع مقررات و استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌ها تصریح نشده باشد. با این حال، اختیار صدور مجوز و هم‌چنین نظارت بر فعالیت صنوف، این اختیار را به واحد متولی اعطا کرده باشد که به شرط پذیرش مقررات استانداردشده، مجوز صادر کند. این اقدام کاملاً در چارچوب «ق.ص.» قرار دارد و خارج از اختیارات اداری محسوب نمی‌شود. البته استناد نهادهای اداری عمومی عمدتاً به «ق.ص.» است، اما نهادهای دولتی با توجه به مقررات اداری و بخش‌نامه‌های دولتی عمل می‌کنند که رسمیت بهتری دارد.^۲ چنان‌که بیان شد، بانک مرکزی به موجب چند بخش‌نامه که

۱. ناصحی، میثم، علی فقیه حبیبی و کیوان صداقتی، «تأملی بر استقلال واحدهای محلی از منظر آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۰، شماره سوم، دوره سوم، صص ۳۹-۶۴، ص ۶۰.

۲. آرای، مسعود، پژمان محمدی و غلام‌حسن مزارعی، «اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای مشارکت در حقوق اداری ایران»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۰، شماره سوم، دوره سوم، صص ۶۱-۸۴، ص ۷۵.

جزئیات آن ذکر شد، به استانداردسازی اساسنامه بانکها اقدام و حقوق مشتریان را نیز در این اساسنامه قید کرده است.

به طور کلی، استانداردسازی اساسنامه شرکتها توسط متولیان عمومی یا دولتی کاملاً در چارچوب اختیارات اجرایی و اداری آنهاست. البته فرآیند استانداردسازی و وضع مقررات اداری شرکتها در آن باید کاملاً به موجب ماده ۱۰ قانون مدنی (از این پس، «ق.م») در چارچوب اصول حقوقی باشد تا نافذ تلقی شود.

بند سوم. اجماع ذی نفعان

گاه در نبود متولی خاص یک صنعت، کاسبان به اجماع و بر اساس تعهدات نزاکتی، قراری را تنظیم می کنند و همگی به آن پای بند هستند. در غیاب متولی نظارت، تبعیت از آرای اکثریت، نمی تواند الزام حقوقی داشته باشد، اما اعضا به صورت نزاکتی تعهد می کنند که از نظر اکثریت تبعیت کنند. اگر متن توافق نامه را همگی امضا کنند، این توافق نافذ است و از نظر حقوقی، الزام آور تلقی می شود. ممکن است بدون تنظیم سندی حقوقی، تعهدات این حوزه تنها به صورت نزاکتی محرز شود. به هر حال، در چنین شرایطی نیز می توان اساسنامه نمونه ای، تنظیم و همگی کاسبان را به تبعیت از آن ملزم کرد. اگر اجماع همگی کاسبان به موجب سند حقوقی اعلام شود، طبیعتاً دولت از این نهاد عمومی حمایت می کند که در نهایت، می تواند به عنوان یک متولی عمل کند. گفتنی است اعتبار نهادی که به اجماع اکثریت شکل گرفته، به اجماع اکثریت نیز قابل انحلال است.

دیگر متولیان هم چون اتحادیه صادرکنندگان زعفران، اعتبار حقوقی خود را از قانون گرفته اند. این نهاد اداری با اجماع کاسبان قابل انحلال نیست، مگر عزل اعضای آن که به موجب «ق.ص» با رأی گیری انتخاب می شوند. اگر تأسیس یک نهاد به موجب قانون نباشد، از نظر اجرایی و اداری، انحلال کامل آن به همین وضعیت ممکن است. اگر چنین نهادی با اجماع تشکیل شود، بسته به میزان مقبولیت و اجماع شکل گرفته در حمایت از آن، از اختیارات اداری لازم برای استانداردسازی اساسنامهها بهره مند است.

گفتار سوم. بایسته های حمایت از حقوق مصرف کننده توسط اساسنامه نمونه

در گفتار پیشین، در خصوص استانداردسازی اساسنامه شرکتها توضیح داده شد. در اثنای استانداردسازی می توان حقوق مصرف کننده را نیز در اساسنامه ذکر کرد تا از لحاظ اداری، شرکت ارائه دهنده، ملزم به رعایت آن باشد. چون اساسنامه شرکتها سند حقوقی و

اداری آن شرکت محسوب می‌شود، با ذکر حقوق مصرف‌کننده در اساس‌نامه می‌توان شرکت را به رعایت آن متعهد کرد. نکته قابل توجه این است که اساس‌نامه، سندی حقوقی در روابط شرکا نیز محسوب می‌شود. بنابراین، از نظر حقوق خصوصی هم قابل بحث است. با پیچیدگی‌های خاص حقوق اداری می‌توان شرکت را نسبت به طرف مقابل که ممکن است نهادی دولتی باشد، متعهد کرد که در این حالت، از دیدگاه حقوق عمومی قابل بحث است. بنابراین، گامی در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کننده برداشته شده است.

بند اول. تعیین نهاد نظارتی

از نظر مدنی، هر یک از طرفین یک معامله، حقوق و تعهداتی خاص دارند. گاه روح و ماهیت اساس‌نامه شرکت‌ها، حقوقی خاص برای شخصیت حقوقی قرار داده است که در عمل، حقوق طرف مقابل را نادیده می‌گیرد. استانداردسازی در اساس‌نامه شرکت‌ها نیز با هدف حمایت از حقوق طرف مقابل صورت می‌پذیرد. در واقع، با اساس‌نامه استاندارد می‌توان شرکت‌های ارائه‌دهنده را در مرحله اول نسبت به عموم جامعه و در مرحله دوم نسبت به شخص مصرف‌کننده، مسئول دانست و این مهم در چارچوب امور اداری استانداردسازی اساس‌نامه قابل تحقق است. برای مثال، شرکتی که ذرت وارد می‌کند، ممکن است در اساس‌نامه خود، مسئولیت سلامت این کالا را از خود سلب کند و فساد آن را به سبب مسئولیت مبتنی بر تقصیر به گمرکات و مسئولان دولتی منتسب سازد. با هدف حمایت از سلامت شهروندان نیاز است که از طریق اتحادیه واردکنندگان ذرت، تعهداتی نسبت به این مهم در اساس‌نامه شرکت‌های این حوزه ثبت شود تا مشکلات این حوزه به حداقل برسد. برای مثال، اتحادیه می‌تواند شرکت‌های واردکننده را به داشتن واحد کنترل کیفیت ملزم کند و ارائه این گواهی را شرط انعقاد قرارداد در زمان تحویل کالا بداند.^۱ در این صورت، شرکت‌هایی که به طور تخصصی در زمینه واردات ذرت فعالیت دارند، بحث کنترل کیفیت را به عنوان یک الزام در اساس‌نامه خود وارد می‌کنند که اثر کلان آن بر سلامت این محصولات نمایان خواهد شد. شوراهای صنفی در سطح کشور، مسئولیت ابلاغ قوانین کلی را بر عهده دارند و اتحادیه‌ها مبتنی بر آن، اختیار حقوقی برای وضع قواعد اختصاصی دارند. تبعیت واحدهای صنفی از متولیان (اتحادیه، شورا و سازمان ناظر) نیز الزامی است و به این صورت می‌توان از طریق اداری و خارج از قانون‌گذاری که معمولاً ابزار حمایت از حقوق شهروندی توسط دولت است، حقوق شهروندان را تضمین کرد.

1-Cahyo, D. D. & Bawono, B. T., "A Justice Reform in Consumer Protection in Development of Financial Technology", Law Development Journal, 20213 (3), p. 477

بند دوم. استانداردسازی قراردادها

استانداردسازی قراردادها نیز می‌تواند بخشی از فرآیند استانداردسازی اساسنامه‌ها باشد. با توجه به این که قرارداد سند حقوقی بین ارائه‌دهنده کالا/ خدمات با مصرف‌کننده یا توزیع‌کننده است، در صورت استانداردسازی این قراردادها، حقوق طرفین کاملاً رعایت می‌شود.^۱ پیش‌تر در حقوق تجارت بین‌الملل، بحث فرم قراردادی مطرح بود و یکسان‌سازی قراردادها را دارای اثری همانند اسناد تجاری (چک و سفته) دانسته‌اند. این اسناد تجاری نیز نوعی قرارداد محسوب می‌شوند که به سبب وسعت استفاده از آن و هم‌چنین وجود منابع حقوقی فراوان در این خصوص، تمامی جنبه‌های حقوقی آن صریح است و بنابراین، دارای اثر شکلی خواهد بود. فرم قراردادی نیز در اثر کثرت استفاده می‌تواند دارای همین اثر باشد که نیازمند فرارگیری در حقوق اداری شرکت‌هاست. این مقررات اداری است که بر فرم قراردادی اثر دارد و خود فرم قراردادی نیز دارای اثر شکلی است.

بنابراین، حقوق اداری به صورت غیر مستقیم دارای اثر حقوقی بر تعهدات طرفین خواهد بود. نهادهای دولتی به سهولت و با صدور بخش‌نامه می‌توانند نسبت به تنظیم فرم قراردادی اقدام کنند. دولت که خود، متولی اصلی حمایت از حقوق مصرف‌کننده است، در صدور بخش‌نامه به ذکر این حقوق اقدام خواهد کرد. شرکت‌های خصوصی نیز می‌توانند حسب اساسنامه نمونه، ملزم به تهیه فرم قراردادی شوند که اثر شکلی آن در چارچوب قانون، حقوق هر دو طرف را رعایت کند. بنابراین، استفاده از فرم قراردادی می‌تواند یکی از آثار استانداردسازی اساسنامه شرکت‌ها باشد که کاملاً در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کننده است.

بند سوم. تحدید مسؤلیت‌ها

گاهی نداشتن سواد حقوقی یا نظارت ناکافی کارشناسان حقوقی موجب تنظیم اساسنامه‌هایی شده است که از نظر حقوقی نافذ نیستند. برای مثال، یکی از این مصادیق مهم، حق فروش سهام است. از دیدگاه حقوق مدنی، سلب حقوق مدنی شخص به موجب ماده ۹۵۹ «ق.م.» نافذ نخواهد بود و در واقع، چنین اساسنامه‌ای، تعهدی را بر دوش سهام‌داران قرار داده است که با اصول شخصیه آنان تضاد دارد. این مشکل حقوقی در زمان بروز اختلاف، خود را نشان خواهد داد. رفع این چالش‌ها نیز در قالب اساسنامه نمونه ممکن است.^۲

۱. یاسبان، محمدرضا، سید هادی فرخی و احمد بیگی حبیب‌آبادی، «بررسی تطبیقی حقوق سهام‌دار اقلیت در تجزیه شرکت‌های سهامی (ایران و انگلستان)»، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، شماره سوم، دوره هفتم، صص ۸۷-۱۱۲، ص ۱۰۰.
۲. جلالی و شکوری، پیشین، ص ۱۶۰.

این مثال ساده نشان از آن دارد که حتی اگر فرض کنیم سهام‌داران اطلاعات حقوقی ندارند، کارشناس حقوقی خبره باید هنگام تنظیم اساس‌نامه بر آن نظارت داشته باشد تا تمامی تعهدات آن نافذ تلقی گردد. از این قبیل مثال‌ها فراوان است. هدف از ذکر این بحث آن بود که گاهی در اساس‌نامه‌ها، مسئولیت شرکا و مدیران در خصوص اشخاص ثالث تعیین شده و با اصول حقوقی ناسازگار است. بنابراین، یکی از کارکردهای اساس‌نامه نمونه، تحدید مسئولیت‌ها به گونه‌ای است که نافذ تلقی شود و این کار مهم با نظارت کارشناسان حقوقی نهاد متولی امکان‌پذیر است. توافق ساده چند شریک که عمدتاً سواد حقوقی ندارند، نمی‌تواند این خلأ حقوقی را پر کند و نیاز به وضع مقررات در این مورد محسوس است.^۱ برای مثال، در اساس‌نامه غیر استاندارد یک شرکت تولید مواد خوراکی، مسئولیت زیان به جان مصرف‌کننده به طور کامل بر عهده مدیر عامل قرار گیرد. از این مصادیق بسیار مشاهده می‌شود. در این مثال، حسب تفسیر موسع از قوانین قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی، (مصوب ۱۳۴۶)، قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹ و از این پس، «ق.م.»)، تمامی افراد مقصر در این مورد از جمله مدیر کنترل کیفیت، مدیر فنی و مدیر عامل در این باره مسئولیت دارند. بنابراین، مسئولیت تمامی مدیران و سهام‌داران باید به گونه‌ای در اساس‌نامه تحدید شود که در چارچوب قانون نافذ تلقی گردد. در این صورت، آگاهی پرسنل سازمان از داشتن مسئولیت در برابر مصرف‌کننده افزایش می‌یابد که گامی مهم برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده به شمار می‌رود و از طریق اداری ممکن است. با توجه به راهکارهای موجود برای استانداردسازی اساس‌نامه، در حال حاضر، بهترین راهکار، اقدام متولیان اداری (دولتی یا عمومی) است و این پژوهش نیز بر این اقدام تمرکز دارد.

بند چهارم. ذکر تحذیرات

«تحذیر» در لغت به معنای بر حذر داشتن و بیم دادن و کسی را متوجه خطر ساختن است. در اصطلاح، اگر کسی قبل از انجام دادن کاری یا فعلی هشدار دهد، ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و به علت آن کار، جنایتی در حق نامبرده صورت گیرد، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت. در هر یک از امور اداری، محتمل است که جرمی واقع شود. چون یکی از عناصر روانی جرم، علم به موضوع است، در مقررات اداری باید در مورد جرایم محتمل، تحذیر صورت پذیرد.^۲ داشتن علم از اجزای تحقق عنصر روانی است که در تجمیع با

۱. حسن‌زاده، بهرام، «حقوق‌شناسی و بررسی نظام حقوقی حاکم بر ثبت شرکت»، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۹، شماره سوم، دوره چهل و یکم، ص ۴۵۹.

۲. السان، مصطفی، «اصول مؤسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی درباره قراردادهای تجاری بین‌المللی و هماهنگ‌سازی حقوق بیع بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰.

عناصر مادی و قانونی، جرم محقق می‌شود. در نظریه مسئولیت کیفری، داشتن علم و آگاهی نسبت به موضوع جرم، از عوامل تحقق مسئولیت کیفری است. در این صورت، می‌توان نداشتن علم را از عوامل تحقق نیافتن جرم دانست.^۱

در راستای حمایت از حقوق مصرف کننده، مسائل تخصصی را می‌توان در اساسنامه نمونه ذکر کرد. برای مثال، اگر استفاده از یک ماده شیمیایی با فرمول خاص برای سلامتی انسان مضر باشد و استفاده از آن در تولید آبمیوه مرسوم باشد، این مورد را در اساسنامه نمونه شرکت‌های تولیدی آبمیوه می‌توان به صورت تخصصی ذکر کرد. در این صورت، آگاهی از جرم تخصصی ایجاد می‌شود و عدول از آن ممکن نیست. در زمان بروز جرم نیز به استناد ذکر این مورد در مقررات اداری، آگاهی و علم که جزئی از عنصر روانی جرم است، محقق می‌گردد و ادعای بی‌اطلاعی برای فرار از مجازات مردود است.

بند پنجم. بررسی استانداردسازی به صورت موردی

در قانون بورس و اوراق بهادار (۱۳۸۴)، در خصوص اساسنامه نمونه، مطالبی بیان شده است که به دلیل اشعار قانونی، جنبه اجباری دارد. به موجب تبصره ۲ ماده ۹ این قانون، وظایف و حدود اختیارات رئیس سازمان در اساسنامه سازمان تعیین خواهد شد. چون بحث اساسنامه سازمان بورس تحت یک قانون مستقل تصویب شده است، این مهم را می‌توان اقدامی قانونی و مثبت برای استانداردسازی اساسنامه شرکت‌ها دانست.

در فصل دوم این قانون مشتمل بر مواد هفتم و هشتم، ارکان سازمان معرفی شده است. فصل سوم این قانون که مواد ۹ تا ۱۹ را شامل می‌شود، ساختار هیئت مدیره را معرفی کرده و برخی وظایف آن را برشمرده است. فصل چهارم که تنها ماده ۲۰ را دربرمی‌گیرد، وظایف و اختیارات رئیس سازمان را بیان کرده است. فصل پنجم که مواد ۲۱ تا ۲۴ را شامل می‌شود، در خصوص حسابرس و بازرسی سخن گفته است. امور مالی سازمان در فصل ششم آمده و فصل هفتم که مشتمل بر مواد ۳۳ و ۳۴ است، دیگر موارد را عنوان کرده است. در عنوان کردن مفاد قانونی، از عنوان «اساسنامه» استفاده شده است. بنابراین، این قانون را می‌توان اساسنامه شرکت بورس و اوراق بهادار دانست. با توجه به تصویب این اساسنامه نمونه در قالب قانون نمی‌توان خلاف آن عمل کرد و تا زمان اعتبار این قانون، همین اساسنامه، رویه فعالیت سازمان بورس خواهد بود.

قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰ تصویب شد. به موجب ماده پنجم این قانون، نام با قید کلمه «تعاونی»، هدف، موضوع، نوع، حوزه عملیات، مدت،

۱. سید احمدی سجادی، سید علی، «مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۸، شماره سوم، دوره چهارم، ص ۱۸.

مرکز اصلی عملیات و نشانی، میزان سرمایه، مقررات مربوط به عضو، ارکان، مقررات مالی و کار، انحلال و تصفیه باید در اساس‌نامه ذکر شود.

هم‌چنین در تبصره سوم ماده ۳۲ همین قانون ذکر شده که تصویب اساس‌نامه تعاونی با حداقل دو سوم اعضای اولین مجمع عمومی عادی است. این قانون را که در خصوص شرکت‌های تعاونی نافذ است، می‌توان مهم‌ترین منبع در خصوص استانداردسازی اجباری اساس‌نامه دانست.

قانون تشکیل بیمه مرکزی که در سال ۱۳۵۰ به تصویب رسید، یکی از جنبه‌های مهم اجباری شدن برخی مفاد در اساس‌نامه است. به موجب ماده ۳۷ این قانون، ثبت هر مؤسسه بیمه در ایران به ارائه پروانه تأسیس صادرشده از طرف بیمه مرکزی ایران بستگی دارد. ثبت هر گونه تغییرات بعدی در اساس‌نامه و میزان سرمایه و سهام مؤسسات بیمه‌ای نیز که به ثبت رسیده باشند، به موافقت بیمه مرکزی ایران وابسته است. در راستای همین قانون، سازمان بیمه مرکزی مانند دو مورد ذکرشده (شرکت‌های تعاونی و سازمان بورس)، اساس‌نامه نمونه تهیه کرده و تبعیت از این الگو را برای تمامی شرکت‌های بیمه لازم دانسته است.

حسب این قانون، اساس‌نامه شرکت‌های بیمه‌ای تحت نظارت سازمان بیمه مرکزی هستند و امکان استانداردسازی اجباری آن با ضابطه و قانون وجود دارد. در ماده ۵۶ این اساس‌نامه نمونه ذکر شده که این اساس‌نامه با ۵۶ ماده و ۲۳ تبصره در تاریخ [تاریخ تصویب در مجمع عمومی مؤسس / فوق‌العاده] به تصویب مجمع عمومی مؤسس / فوق‌العاده رسیده است. هر گونه تغییر در مفاد این اساس‌نامه به تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه مرکزی ج.ا.ایران وابسته است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به موجب بخش‌نامه شماره ۹۲/۱۱۷۷۰۸ صادرشده در ۲۴ تیر ۱۳۹۲ و با استناد به بند «ج» ماده ۳۰ قانون پولی و بانکی کشور که مقرر می‌دارد: «تأسیس بانک در ایران موقوف به تصویب اساس‌نامه آن به وسیله شورای پول و اعتبار و صدور اجازه از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» است، «اساس‌نامه نمونه بانک‌های تجاری غیر دولتی»، مصوب شورای پول و اعتبار را به بانک‌های غیر دولتی ابلاغ کرد. در حقیقت، با این کار، آن‌ها را ملزم کرد که با برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده و اعمال تغییرات و اصلاحات در اساس‌نامه جاری بانک، اساس‌نامه نمونه ابلاغی را ظرف مدت چهار ماه جای‌گزین کنند. در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۲ نیز با صدور بخش‌نامه شماره ۹۲/۳۷۷۵۳۸ اعلام کرد که اساس‌نامه نمونه ابلاغ‌شده اصلاح گردیده است. بر همین اساس، ویرایش جدید اساس‌نامه نمونه به ضمیمه این بخش‌نامه ابلاغ شد و بانک‌های غیر دولتی ملزم شدند اساس‌نامه خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ با اساس‌نامه نمونه تطبیق دهند و پس از اعمال تغییرات لازم برای تصویب نهایی به شورای پول و اعتبار بفرستند.

گفتار چهارم. چالش‌های اداری حمایت از حقوق مصرف کننده توسط اساسنامه نمونه

گفتیم که اقدامات معدودی برای استانداردسازی اساسنامه شرکتها با هدف حمایت از حقوق مصرف کننده انجام شده است که به اقدامات نهادهای اداری دولتی در بیمه و بانکها اشاره شد. با توجه به وسعت مصرف کالا/ خدمات در هر کشور، نیاز به گسترده شدن این اقدامات محسوس است و اقدام یادشده که تنها در چند نهاد محدود انجام شده است، کافی به نظر نمی‌رسد. در این گفتار، موانع این وضعیت از نظر اداری برشمرده شده است.

بند اول. موانع حقوقی

جایگاه قوانین موضوعه، برتر از مقررات اداری است و «مقررات اجرایی» باید در چارچوب قوانین وضع شوند. قانون اساسنامه بورس تنها نمونه استانداردسازی مقررات اداری به روش تقنینی بود. در خصوص دیگر مصادیق، قوانین موضوعه صراحت نداشته است. بنابراین، نهادهای متولی تنها اختیار استانداردسازی اساسنامه را دارند. قانون موضوعه می‌تواند به صورت مستقیم، اساسنامه نمونه را وضع کند (هم‌چون بورس اوراق بهادار) یا می‌تواند نهاد دولتی را به تدوین آن الزام کند (هم‌چون قانون تعاون). در غیر این صورت، نهادهای اداری متولی تنها اختیار یکسان‌سازی اساسنامه‌ها را دارند، نه اجبار. بیش‌تر متولیان کسب و کارها، همان اتحادیه‌های غیر انتفاعی هستند که حسب «ق.ص» تأسیس شده‌اند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند. این اتحادیه‌ها نیز تنها اختیار استانداردسازی را دارند و اگر در منبع حقوقی یادشده، مانند قانون تعاون اتحادیه‌ها، ملزم به یکسان‌سازی اساسنامه می‌شدند، بخش وسیعی از کسب و کارهای کشور امروزه تحت مقررات یکسانی قرار می‌گرفت که نقش مهمی در حمایت از حقوق مصرف کننده دارد.

جدا از خلأهای تقنینی یادشده، برخی منابع حقوقی فعلی نیز چالش‌هایی دارند. افراد مشمول حمایت از حقوق مصرف کنندگان بر اساس بند اول ماده یکم قانون حمایت از مصرف کنندگان (۱۳۸۸)، از این پس، «ق.ح.م» عبارتند از: «هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که کالا یا خدمتی را خریداری می‌نماید.» با توجه به آن‌چه گفته شد، این تعریف کامل نیست. اولاً به لحاظ منطقی، بین خرید یک کالا و مصرف آن الزامی وجود ندارد؛ زیرا گاهی، خریدار، خود عرضه کننده و فروشنده به دیگری است و گاه مصرف کننده در راستای اجرای خدمات، کالای خریداری شده توسط دیگران را استفاده می‌کند و خودش، آن را به طور مستقیم نمی‌خرد. در بخش سوم از ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، از این پس، «ا.ج» به «حق افراد برای داشتن بیمه جبران خسارت منصفانه و شایسته، برای خود و اعضای خانواده در

حدّی که متناسب با شأن انسانی باشد» اشاره شده و در بخش اول از ماده ۲۵ آن نیز از «حق داشتن حیات شایسته که مقتضی صحت و سلامت فرد و اعضای خانواده‌اش باشد»، سخن به میان آمده است. در قانون سال ۱۳۸۸ به این موارد توجه نشده و از این نظر، نیازمند اصلاح کاستی توسط قانون‌گذار است.

از دیدگاه حقوق‌دان کیفری نیز باید در مورد خطای جزایی در این قانون بحث می‌شد. از این خطا با نام «خطای محض» نیز نام برده‌اند. به موجب ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲، از این پس، «ق.م.ا.»)، تحقق جرایم غیر عمدی به احراز تقصیر مرتکب وابسته است. در جنایات غیر عمدی، اعم از شبه‌عمدی و خطای محض، مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود. در تبصره این ماده ذکر شده که تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، مهارت نداشتن و رعایت نکردن نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود. در «ق.ج.م.»، برای عرضه‌کننده کالا، مسئولیت کیفری لحاظ نشده است که قانون‌گذار باید به آن توجه کند.

زمانی که به ماهیت حقوقی یک منبع حقوق موضوعه انتقاد وارد می‌شود، مقررات اداری شکل گرفته در چارچوب آن نیز ایراد دارد. زمانی که قانون‌گذار، «ق.ج.م.» را با چالش‌های یادشده تصویب کرده و به برخی مسائل مهم حمایت از حقوق مصرف‌کننده بی‌توجه بوده است، استانداردهای اساسی شرکت‌ها با هدف اجرای این حقوق نیز دارای همان کم و کاستی‌هاست. بنابراین، می‌توان گفت که برای تکمیل مقررات اداری حمایت از حقوق مصرف‌کننده، قانون‌گذار باید تمامی کاستی‌های منابع حقوق موضوعه را برطرف کند. در غیر این صورت، توجه مقررات اداری به همان کاستی‌ها می‌تواند ناصحیح تلقی شود. زمانی که قانون‌گذار، عرضه کالای معیوب را جرم‌انگاری نکرده است، مقررات اداری که صلاحیت جرم‌انگاری ندارد، نمی‌تواند از مصرف‌کننده حمایت کیفری کند. استانداردهای اساسی نام‌های که به «مسائل کیفری جرم‌انگاری نشده» توجه کرده باشد، از نظر حقوق اداری صحیح نیست.

بند دوم. تناقض مقررات اداری

در خصوص نقش مهم متولیان کسب و کارها در حمایت از حقوق مصرف‌کننده و استانداردهای اساسی شرکت‌ها بحث شد. در خصوص اجرای ناصحیح نقش این نهادها، این چالش‌های اداری مطرح است:^۱

۱. گاه برای یک صنعت، بیش از یک متولی تعریف شده است و وظایف آن‌ها یا با یکدیگر تداخل دارد یا مسئولیت اجرای برخی وظایف را هیچ‌یک بر عهده ندارند.

۱. محرابی، مختار، «حقوق مصرف‌کننده در ایران»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و

دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، ۱۳۹۵، ص ۱۵.

۲. با توجه به ماهیت جداگانه مسئولیت‌های نظارت و تبعیت کسب و کارها از متولی، این ماهیت تولی به صراحت مشخص نشده است.

۳. گاهی روابط بین نهادهای متولی که به صورت عمودی یا افقی تعیین شده است، با تفسیر بخشی دیگر از مقررات اداری عکس خواهد شد.

۴. مسئولیت حمایت از حقوق مصرف‌کننده به صراحت در قوانین و مقررات مشخص نشده است.

برای مثال، در صنایع طلاسازی، از یک طرف، اتحادیه طلاسازان و از طرف دیگر، وزارت صمت، مسئولیت نظارت بر بخش خصوصی را بر عهده دارند. اتحادیه طلاسازان حسب تعریف اتحادیه در «ق.ص»، نهاد عمومی غیر انتفاعی دانسته می‌شود. با این حال، مقررات اداری اداره صمت که به صورت بخش‌نامه صادر می‌شود، به صورت مستقیم، اتحادیه را که نهادی عمومی است، مشمول تبعیت از دستورها دانسته است. بحث تبعیت اتحادیه طلاسازان از وزارت صمت همواره مورد اختلاف است؛ چون حسب مفاد «ق.ص»، اتحادیه‌ها، شخصیت حقوقی مستقل دارند. از طرف دیگر، در مقررات اداری سازمان صمت، این اتحادیه، تابع سازمان دانسته شده است. وزارت صمت، بازرس اتحادیه را به رسمیت نشناخته است و اتحادیه، حاضر به پذیرش شروط تعیین بازرس اداره صمت نیست. با این حال، بازرس، وظیفه محک زدن طلاهای ساخته‌شده را بر عهده دارد و اختلافات در تعیین بازرس، گاهی به نبود این پست مهم در اتحادیه منتهی شده است که در زمان شکایت مشتری از طلافروش به سبب عیار پایین طلا، رسیدگی به آن ماه‌ها معطل خواهد ماند.^۱ بنابراین، نیاز است که مسئولان سازمان صمت ضمن احترام به «ق.ص»، رابطه خود را با اتحادیه طلاسازان تنها به صورت نظارت تعیین کنند تا به این چالش اداری در خصوص تولی طلاسازان پایان بخشند. همین مشکل در خصوص شرکت‌های معدنی نیز وجود دارد. برای مثال، معدن‌کاران حوزه سنگ لاشه، از یک طرف، به صورت مستقیم تحت نظارت سازمان صمت استان هستند. از طرف دیگر، اتحادیه تولیدکنندگان سنگ لاشه بر آن‌ها نظارت دارند و باید از هر دو نهاد مجوز بگیرند. هر دو نهاد می‌توانند با استانداردسازی اساسنامه این شرکت‌ها، از حقوق مصرف‌کننده حمایت کنند، اما فعالیت هر دو آن‌ها موازی یکدیگر است و اثر یکدیگر را خنثی می‌کنند. سازمان صمت با توجیه دولتی بودن، به تبعیت اتحادیه‌ها از خود اعتقاد دارد و اتحادیه‌ها نیز حسب تفسیر موسع از «ق.ص»، خود را مستقل می‌دانند. بنابراین، در چنین وضعیتی، استانداردسازی اساسنامه‌ها و حمایت از حقوق مصرف‌کننده دچار خلأ حقوقی است.

۱. میری قلعه‌سری، سید حسن، سید رضا احسان‌پور و مهدی اسماعیلی، «جایگاه سازمان بازرسی کل کشور در مقابله با فساد اداری و احقاق حقوق شهروندی»، حقوق پزشکی، ۱۳۹۹، شماره سوم، دوره چهاردهم، ص ۳۰۵.

بند سوم. مشخص نبودن نقش نهاد قضایی

در حمایت از حقوق مصرف‌کننده، نهادهای مختلف اجرایی هم‌چون سازمان بازرسی، تعزیرات، سازمان استاندارد و سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده فعالیت دارند که هر یک از آن‌ها، موازی یکدیگر، اقدامات قضایی نیز انجام می‌دهند. از دیدگاه آیین دادرسی، گزارش هر نهاد از فعل/ ترک فعل بر خلاف قانون در نهایت باید توسط نهاد قضایی بررسی شود که در خصوص ارتکاب جرایم، این مسئولیت بر عهده دادسرا و سپس دادگاه است. دادسرای عمومی با نهادهای یادشده ارتباط مستقیم ندارد که نقش قوه قضاییه را در برخی نظارت‌ها کاهش می‌دهد. پس برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده باید شعبه خاصی از دادسرا به این وظیفه مهم اختصاص یابد و نهادهای دیگر هم‌چون اتحادیه‌ها و سازمان بازرسی در نقش ضابط دادگستری و زیر نظر دادسرای حمایت از حقوق مصرف‌کننده وارد عمل شوند. بنابراین، ناهماهنگی بین نهادهای قضایی و اجرایی در خصوص حمایت از حقوق مصرف‌کننده از نقاط ضعف رویه کنونی تلقی می‌شود. در صورت تبیین صریح نقش نهادهای قضایی در خصوص حمایت از حقوق مصرف‌کننده، این امر مهم را می‌توان در اساس‌نامه نمونه ذکر کرد. در حال حاضر، بر همکاری شرکت‌ها با نهادهای اجرایی یادشده تصریح گردیده است که در اساس‌نامه نمونه نیز ذکر می‌شود. این در حالی است که شیوه همکاری شرکت‌ها با قوه قضاییه کاملاً نامشخص است و در صورت اختصاص شعب خاص دادگستری برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده، این رابطه در اساس‌نامه نمونه مشخص خواهد شد.

گفتار پنجم. بررسی نمونه‌های موردی مشابه

در این گفتار، اقدامات مشابه در دیگر کشورها بررسی می‌شود. در بررسی منابع معتبر، نمونه‌هایی از دو کشور ترکیه و انگلستان می‌تواند الگوی اقدامات مشابه در ایران قرار گیرد.

بند اول. انگلستان

در سال ۱۹۹۸ که قیمت فولاد نوسان‌های فراوانی داشت، اتحادیه واردکنندگان و تولیدکنندگان فولاد به صورت مشترک، اساس‌نامه نمونه شرکت‌های تولیدی را تنظیم کردند. به موجب مفاد اساس‌نامه جدید، فروش فولاد بر اساس نرخ اعلام‌شده توسط وزارت صنعت این کشور آزاد بود و در صورت احتکار فولاد، شرکت متخلف، مسئول جبران تمامی خسارت‌های مربوط می‌شد. با توجه به کامن‌لایی بودن نظام حقوقی انگلستان، قانون موضوعه در این خصوص وجود ندارد و اساس‌نامه نمونه در این مورد به عنوان تنها منبع حقوقی منظور شد.

در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ (بحران مالی اروپا)، دو شرکت در زمان گرانی فولاد، محصولات خود را احتکار کردند که با شناسایی آن‌ها توسط پلیس، دادگاه سلطنتی با صدور حکمی، ضمن استناد به مسئولیت جبران خسارت واردشده به کشور که در اساس‌نامه ذکر شده است، دستور مصادره سهام این شرکت را به طور کامل صادر کرد. این حکم در فرجام‌خواهی دادگاه تجدید نظر نیز تأیید شد.^۱ در نظام کامن‌لایی که منبع حقوقی نوشته در خصوص مسئولیت‌ها وجود ندارد، پذیرش مسئولیت به موجب اساس‌نامه، ملاک احکام قضایی قرار می‌گیرد و اقدامی پیش‌گیرانه علیه جرم محسوب می‌شود. بنابراین، استانداردسازی اساس‌نامه می‌تواند جنبه متعهد کردن شرکت به حقوق مصرف‌کننده را داشته باشد که در نظام قضایی، همین اساس‌نامه، سند تعیین مسئولیت محسوب می‌گردد. اساس‌نامه هم از جنبه حقوق خصوصی قابل تفسیر است و هم از نظر حقوق عمومی و اداری. از نظر حقوق خصوصی، اساس‌نامه، روابط بین شرکا را تبیین می‌کند. از نظر حقوق عمومی، اساس‌نامه، رویه اجرایی سازمانی را تعیین می‌کند که قرار است به جامعه خدمت کند. حقوق‌دانان، بیش‌تر از جنبه‌های حقوق خصوصی اساس‌نامه بحث کرده و از جنبه حقوق عمومی و اداری آن غافل بوده‌اند.

در مثالی دیگر، در سال ۲۰۰۱، سازمان حمایت از آثار بدیع، به سبب شکایت مخترعان از شرکت خودروسازی، خواهان متعهد کردن شرکت‌های خودروساز به حقوق مالکیت معنوی شد. وزارت صنایع با مشورت سازمان حمایت از مالکیت معنوی، ضمن استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌های خودروسازی، آن‌ها را متعهد کرد که از پذیرش طرح‌های بدیع بدون ثبت در سازمان خودداری کنند و در صورت استفاده از آن بدون رضایت مالک، مسئولیت کامل جبران خسارت را حسب تعیین مقدار آن توسط سازمان یادشده بر عهده گیرند. با چنین اقدامی، تا کنون شکایتی از طرف مخترعان به دادگاه ارائه نشده است.^۲ به نظر می‌رسد که تنظیم این تعهد، اقدامی پیش‌گیرانه محسوب می‌شود. وزارت صنعت انگلستان با استانداردسازی اساس‌نامه، اقدامی پیش‌گیرانه برای مقابله با سرقت آثار معنوی توسط خودروسازان انجام داد که کاملاً موفق ارزیابی شد. بنابراین، اقدام مشابه در این مورد توصیه می‌شود.

بند دوم. ترکیه

در سال ۲۰۱۰، اعتراض نسبت به بی‌کیفیت بودن سیستم تعلیق خودروهای مونتاژی ترکیه به گوش رسید و با تحقیقاتی که وزارت صنعت این کشور انجام داد، اساس‌نامه

1-Csete, J., & Elliott, R., "Consumer protection in drug policy: The human rights case for safe supply as an element of harm reduction", International Journal of Drug Policy, 2021, 91, 102976

2-Nguyen, D. T., "FINANCIAL LITERACY AND FINANCIAL CONSUMER PROTECTION-A LITERATURE REVIEW AND SOME RECOMMENDATIONS FOR VIETNAM, 2021

شرکت‌های تولیدکننده سیستم تعلیق در ترکیه استانداردسازی شد. به موجب اساس‌نامه جدید، ضمانت کارکرد ۲۵۰۰۰ کیلومتری توسط سازندگان این سیستم در اساس‌نامه قید شد. آمار شکایات مردمی از سیستم تعلیق بی‌کیفیت که در سال ۲۰۱۰ حدود ده هزار مورد بود، در سال ۲۰۲۰ به ۴۵ مورد رسید.^۱ این اقدام وزارت صنایع ترکیه کاملاً در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کننده بود و مانع فروش خودرو با سیستم تعلیق بی‌کیفیت شد. البته وضع چنین مقرراتی مستلزم نظارت صحیح است که در این مورد انجام شد.

در سال ۲۰۰۵، شکایت مردمی از زیان‌بار بودن ادویه‌های وارداتی از مصر، وزارت بهداشت ترکیه را بر آن داشت که افکار عمومی را اقناع کند. ضمن مشورت وزارت بهداشت با اتحادیه واردکنندگان ادویه که از مصر، دارو وارد می‌کردند، استانداردهای تخصصی واردات ادویه که پیش از واردات باید آزمایش شوند، در اساس‌نامه نمونه ذکر شد. در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷، بین ۳۰ تا ۴۰ شرکت واردکننده ادویه به سبب رعایت نکردن این استانداردها به صورت نقدی جریمه یا به طور موقت تعطیل شدند. در سال ۲۰۲۰، هیچ گزارش مردمی از زیان ادویه‌جات اعلام نشد و این کار موجب رونق واردات ادویه به ترکیه نیز شد.^۲ از این مثال می‌توان اثر حمایت از حقوق مصرف‌کننده را برای خود شرکت‌های ارائه‌دهنده حس کرد. اگر حقوق مصرف‌کننده با حمایت دولت حفظ شود، خرید محصول / خدمات افزایش می‌یابد و به رونق کسب و کار این حوزه منتهی می‌شود.

بحث افقی یا عمودی بودن روابط اداری در این جا قابل بحث است. وزارت بهداشت ترکیه، روابط افقی اداری با اتحادیه واردکنندگان دارد و ضمن مشورت (نه اجبار) برای استانداردسازی اساس‌نامه به توافق رسیدند. این در حالی است که در برخی موارد، متولیان اداری در ایران در خصوص نوع رابطه با یکدیگر اختلاف دارند. پس نیاز است که مثال یادشده، الگوی اصلاح روابط متولیان در ایران قرار گیرد.

گفتار ششم. الگوی مورد نظر

با هدف حمایت از حقوق مصرف‌کننده، الگویی پیشنهاد می‌شود که جزئیات آن را بیان می‌کنیم.

1-Forsström, D., Spångberg, J., Petterson, A., Brolund, A. & Odeberg, J., "A systematic review of educational programs and consumer protection measures for gambling: an extension of previous reviews", *Addiction Research & Theory*, 2021, 29(5), 398-412

2-Jin, G. Z., & Wagman, L., "Big data at the crossroads of antitrust and consumer protection", *Information Economics and Policy*, 2021, 54, 100865

بند اول. تعهد شرکت به رعایت حقوق مصرف‌کننده

اساس‌نامه، سندی حقوقی محسوب می‌شود. بنابراین، در اساس‌نامه نمونه می‌توان مصادیق حقوق مصرف‌کننده را قرار داد. مثلاً شرکت‌های تولید خودرو باید حقوق مصرف‌کننده را به صورت تخصصی مثل داشتن کیسه هوا، خدمات پس از فروش، تبعیت از قیمت شورای رقابت، استانداردهای تصادف خودرو و نظیر آن در اساس‌نامه ذکر کنند.^۱ شرکت‌های عرضه‌کننده مواد غذایی نیز باید استانداردهای کیفی را به صورت تخصصی ذکر کنند، مانند ذکر استانداردهای اروپایی برای عرضه مواد تراریخته. به این ترتیب، از نظر حقوقی، به رعایت حقوق مصرف‌کننده ملزم خواهند شد.

بند دوم. تعیین نهاد ناظر

در اساس‌نامه نمونه می‌توان نهاد ناظر را تعیین کرد، مثل تبعیت خودروسازان از وزارت صمت یا تبعیت شرکت‌های واردکننده ذرت از استانداردهای وزارت بهداشت.^۲ به این ترتیب، زمینه برای نظارت نهادهای متولی باز می‌شود. حتی در اساس‌نامه‌ها می‌توان اختیارات نظارتی اتحادیه‌های عمومی را مشخص ساخت. برای مثال، اگر شرکت‌های دارویی، اتحادیه تولیدکنندگان دارو را ناظر بر استاندارد و صالح به رسیدگی به شکایت قرار دهند، در صورت شکایت از کیفیت دارو، اتحادیه یادشده در این خصوص، صلاحیت لازم را خواهد داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۱۵۲.
۲. مرشدی، مهدی و ایرج گلدوزیان، «وضعیت رعایت حقوق شهروندی متهم در تحقیقات پلیسی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲»، فصل‌نامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، ۱۳۹۴، شماره سوم، دوره بیست و هشتم، ص ۷۵.

نتیجه‌گیری

سؤال پژوهش این بود که با راهکار استانداردسازی حقوق شرکت‌ها به چه صورت می‌توان از حقوق مصرف‌کننده حمایت کرد. چنین فرض شد که با ایجاد تعهدات حقوقی و تعیین نهاد متولی، از حقوق مصرف‌کننده حمایت خواهد شد. حمایت از حقوق مصرف‌کننده با استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌های ارائه‌دهنده محصول/خدمات ممکن است. استانداردسازی توسط وضع قانون با اصول و تشریفات قانون‌گذاری هم‌خوانی ندارد و متولیان اداری در خصوص این اقدام، اختیارات زیادی دارند. با وضع برخی قوانین موضوعه باید این اختیار به «وظیفه» تبدیل شود. می‌توان با استانداردسازی اساس‌نامه شرکت‌های فعال در یک حوزه اولاً فعالیت آن‌ها را محدود و سپس مسئولیت اعضا را به صراحت مشخص کرد. تحذیرات نسبت به جرایمی را که ممکن است در حیطه اداری حادث شود، در اساس‌نامه نمونه می‌توان آورد. در این صورت، شرکت‌ها در خصوص حمایت از حقوق مصرف‌کننده، تعهداتی خواهند سپرد که ضمانت اجرایی بهتری دارد.

در خصوص تعیین نهاد متولی باید مقررات اداری متناقض اصلاح شود و تنها یک متولی با رابطه نظارتی و نه تبعی، با وظیفه مشخص، وظیفه (و نه اختیار) استانداردسازی اساس‌نامه را بر عهده بگیرد. نهادهای موازی حمایت از حقوق مصرف‌کننده نیز همگی باید هماهنگ با یکدیگر تحت نظارت شعب خاصی از دادگستری فعالیت کنند و شیوه نظارت نظام قضایی بر شرکت‌های ارائه‌دهنده محصول/خدمات نیز در اساس‌نامه ذکر شود.

پیشنهاد می‌شود که نهادهای اجرایی حامی حقوق مصرف‌کننده در نقش ضابط خاص دادگستری در مورد حمایت از حقوق مصرف‌کننده تعیین شوند که مستلزم تدوین و ابلاغ بخش‌نامه مرتبط توسط ریاست قوه قضاییه است.

فهرست منابع

۱. منابع فارسی

الف) کتاب

۱. پاسبان، محمدرضا، **حقوق شرکت‌های تجاری**، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۲. جوادی، امیر، **حقوق تجارت بین‌الملل**، تهران: حقوق‌یار، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۳. حمداللهی، عاصف، **حقوق رقابت نامشروع**، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
۴. داراب‌پور، مهرباب، **اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل**، تهران: گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۷.
۵. شیروی، عبدالحسین، **حقوق تجارت بین‌الملل**، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۶. طوسی، عباس، **تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها**، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۷. کاویانی، کورش، **حقوق شرکت‌های تجاری**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۸.

ب) مقاله

۱. آراییی، مسعود، پژمان محمدی و غلام‌حسن مزارعی، «**اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای مشارکت در حقوق اداری ایران**»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۰، شماره سوم، دوره سوم، صص ۶۱-۸۴.
۲. باقری، محمود و علی‌رضا جاویدان داروگر، «**حقوق شرکت‌های بانک‌ها با تأکید بر نقد و بررسی اساس‌نامه نمونه بانک مرکزی**»، مجله مطالعات حقوق، ۱۳۹۶، شماره سوم، دوره هجدهم، صص ۱۰۵-۱۱۸.
۳. پاسبان، محمدرضا، سید هادی فرخی و احمد بیگی حبیب‌آبادی، «**بررسی تطبیقی حقوق سهام‌دار اقلیت در تجزیه شرکت‌های سهامی (ایران و انگلستان)**»، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، شماره سوم، دوره هفتم، صص ۸۷-۱۱۲.
۴. جلالی، محمود و معصومه شکوری، «**روند متحدالشکل‌سازی حقوق قراردادها در سطح بین‌المللی**»، فصل‌نامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۲، شماره سوم، دوره سوم، صص ۱۵۵-۱۷۱.
۵. حسن‌زاده، بهرام، «**حقوق‌شناسی و بررسی نظام حقوقی حاکم بر ثبت شرکت**»، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۹، شماره سوم، دوره چهل و یکم، صص ۴۳۹-۴۶۹.
۶. السان، مصطفی، «**اصول مؤسسه یکنواخت کردن حقوق خصوصی درباره**

- قراردادهای تجاری بین‌المللی و هماهنگ‌سازی حقوق بیع بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۸، صص ۳۲۱-۳۳۵.
۷. سید احمدی سجادی، سید علی، «مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۸، شماره سوم، دوره چهارم، صص ۲۵-۱.
۸. محرابی، مختار، «حقوق مصرف‌کننده در ایران»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، ۱۳۹۵.
۹. مرشدی، مهدی و ایرج گلدوزیان، «وضعیت رعایت حقوق شهروندی متهم در تحقیقات پلیسی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲»، فصل‌نامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، ۱۳۹۴، شماره سوم، دوره بیست و هشتم، صص ۵۹-۹۴.
۱۰. میری قلعه‌سری، سید حسن، سید رضا احسان‌پور و مهدی اسماعیلی، «جایگاه سازمان بازرسی کل کشور در مقابله با فساد اداری و احقاق حقوق شهروندی»، حقوق پزشکی، ۱۳۹۹، شماره سوم، دوره چهاردهم، صص ۳۰۱-۳۱۱.
۱۱. ناصحی، میثم، علی فقیه حبیبی و کیوان صداقتی، «تأملی بر استقلال واحدهای محلی از منظر آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۰، شماره سوم، دوره سوم، صص ۳۹-۶۴.

ج) پایان‌نامه

۱. آقامحمدی، فرشاد، «بررسی شرکت با مسئولیت محدود در حقوق ایران و ترکیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی کار قزوین، ۱۳۹۷.

د) قوانین و مقررات

رتال جامع علوم انسانی

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
۲. قانون اساسی ایران، ۱۳۵۸، بازنگری ۱۳۶۹.
۳. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
۴. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۵. قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری، ۱۳۵۰.
۶. قانون تجارت، ۱۳۱۱، با آخرین اصلاحات.
۷. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، ۱۳۸۰.
۸. قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، ۱۳۸۸.

۹. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۰. قانون مدنی ایران، ۱۳۱۱، با آخرین اصلاحات.
۱۱. قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹.
۱۲. قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی، ۱۳۴۶.
۱۳. قانون نظام صنفی کشور، ۱۳۸۳.
۱۴. کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا، ۱۹۸۹.
۱۵. لایحه اصلاح قانون تجارت، ۱۳۴۷.

2-Latin Source

- Alavi, H., Delivery terms in transport process of export trade and their effect on the risk.1 of discrepancy in documentary letters of credit; evidence from Estonia, 2018
- ANYOGU, F. & AGUBOSIM, B. C., “A CRITICAL OVERVIEW OF THE FEDERAL.2 COMPETITION AND CONSUMER PROTECTION ACT” INTERNATIONAL REVIEW OF LAW AND JURISPRUDENCE (IRLJ), 2021, 3 (3)
- 3-Cahyo, D. D. & Bawono, B. T., “A Justice Reform in Consumer Protection in Development of Financial Technology”, Law Development Journal, 20213 (3), 475-480
- 4-Choi, S. B., “Korean Legal Approach to the Electronic Bill of Lading to Solve the Crisis of the Bill of Lading in Letter of Credit Transactions”, 인터넷전자상거래연구, 2017, 17 (2), 201-220
- 5-Csete, J., & Elliott, R., “Consumer protection in drug policy: The human rights case for safe supply as an element of harm reduction”, International Journal of Drug Policy, 2021, 91, 102976
- 6-Dunn, J. P., Ledford, S., Jackson, S. H. & Wood, A. G., U.S. Patent Application No. 2018, 15/711,416
- 7-Forsström, D., Spångberg, J., Petterson, A., Brolund, A. & Odeberg, J., “A systematic review of educational programs and consumer protection measures for gambling: an extension of previous reviews”, Addiction Research & Theory, 2021, 29(5), 398-412
- 8-Jin, G. Z., & Wagman, L., “Big data at the crossroads of antitrust and consumer protection”, Information Economics and Policy, 2021, 54, 100865

9-Ma, S., Chai, Y., Wang, J. & Duan, Y., “New digital infrastructure, cross-border e-commerce and global vision of creating Electronic World Trade Platform”, *Global Trade and Customs Journal*, 2018, 13(4), 157-167

10-Nguyen, D. T., “FINANCIAL LITERACY AND FINANCIAL CONSUMER PROTECTION-A LITERATURE REVIEW AND SOME RECOMMENDATIONS FOR VIETNAM, 2021



Consumer protection by standardizing the articles of association of companies from the perspective of administrative law

Vahid Karimi *

Akbar Bashiri **

Abast Pourmohammad***

Abstract:

The final consumer of goods / services has rights that are based on access to quality goods / services and reasonable prices. There are many conflicts between protectionist institutions and protectionist laws that make it difficult to protect consumer rights. In fact, there is a need for a comprehensive legal resource and a responsible and committed body, which seems that by standardizing the articles of association of companies, while establishing a suitable legal source, the supplier can be legally committed. This descriptive-analytical study seeks to investigate the possibility of protecting consumer rights with the solution of standardizing the articles of association of companies from the perspective of administrative law. The administrative bodies in charge of companies providing goods / services may be public or public, and the private sector usually has no place in the oversight of businesses. These institutions have the right to unify the statutes according to their duties and the broad interpretation of them. With this action, consumer rights can be mentioned as an obligation in the company's articles of association. Therefore, with the standardization of the articles of association, the legal obligation of the suppliers will be established and the right of supervision of the responsible organization will be specified. In this way, the administrative law solution will be open to protect consumer rights. In this case, the administrative challenges of

*.PhD Student in Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

** .Assistant Professor, Department of Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)

***. Assistant Professor, Department of Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

companies regarding consumer rights are minimized and during the judicial action, the main culprits can be dealt with appropriately. Government or public trustees have sometimes acted independently, which in order to counter parallelism, it is necessary to designate administrative regulations, appoint a single institution as the main trustee of supervision, and determine the vertical or horizontal status of administrative relations.

Keywords: Covid-19, domestic law, international law, World Health Organization, government functions

